

بهترین منظومه لغات ترکی
با اسلوب جدید و دستورهای ساده

نصاب اعتماد

لغتهای منظوم

(ترکی بفارسی)

اثر قریحه دانشمند

جناب آقای سید مهدی اعتماد

چاپ اول

تجدید چاپ موکول با اجازه مؤلف است

ناشر تهران

کتابخانه مصطفوی خیابان بوذرجمهری

مقابل خیابان پامنار

۱۳۴۴



این کتاب در تاریخ خرداد ماه یکهزار و سیصد و چهل و چهار با مساعی و مدیریت کتابخانه و چاپخانه مصطفوی در دو هزار نسخه بطبع رسید

پیش‌گفتار

از روزیکه علائق مدنی و فرهنگی میان ملل و اقوام گوناگون گسترش پیدا کرده و ضرورت آموختن زبانهای بیگانه را پیش آورده است دانشمندان و ادبای هر قوم برای تسهیل امر آموزش زبانها به شیوه‌ها و ابتکارات مختلفی راه بسته‌اند بطوریکه امروزه فن فراگرفتن زبان یکی از رشته‌های مهم و اساسی آموزش عمومی گردیده است.

یکی از شیوه‌های مرسوم که از قدیم‌الایام برای آموختن زبان در شرق و منجمله ایران متداول و مرسوم بوده تدوین لغت‌نامه‌های منظوم بوده است.

معروفترین و شاید قدیمی‌ترین لغت‌نامه‌های منظوم کتاب **(نصاب‌الصبیان)** است که آنرا ابونصر فراهی سیستانی در آغاز سده هفتم هجری تألیف کرده است.

این کتاب که دارای ۱۳۶۵ لغت عربی و پارسی است هفت قرن تمام در ایران و هند و ترکیه کتاب درسی بسیار سودمندی برای آموزش زبان تازی (۱) بوده است.

کار فراهی و ابتکاری که او کرد نزد همگان پسندیده افتاد و نه تنها

بسیار کسان در آموختن زبان تازی بفارسی زبانان از آن تقلید کردند بلکه سخنوران پارسی زبان ایران و پارسی‌گویان کشورهای دیگر مانند هند و عثمانی و ترکستان شرقی و افغانستان برای تعلیم لغات فارسی بهم زبانان خود نصابها یعنی لغت‌نامه‌های منظوم بسبک و شیوه نصاب ترتیب دادند و دامنه اینکار بدانجا کشید که لغت‌نامه‌های منظوم بیشماری برای زبانهای تازی و پارسی و ترکی و فرانسه و انگلیسی و لری و طبری و غیره بوجود آمد.

در این مقدمه مختصر فرصت آن نیست که از تمام لغت‌نامه‌های منظومی که بزبانهای مختلف تألیف یافته و بجای خود بحث جالبی است یکایک سخن گوئیم ولی بحکم ضرورت بعضی از نصابهای ترکی آنرا بایجانی بفارسی که موضوع بحث این رساله است باختصار اشارت میشود:

اول - **(نصاب ترکی بفارسی)** در دوازده بند که سراینده آن ناشناس است و نسخه از آن در تهران نزد مهندس شاه علائی شهباشانی مییابد و سرآغاز آن چنین است:

بودور (۱) قطعه ابتدای نصاب بخوان تا - زتر کی شوی سر حساب

۲ - **(مرقات الصبیان)** که آنرا سید محمد باقر مجتهدزاده گنججه

در ریحه ۱۳۱۷ هجری قمری در لغات ثلاثه اهل اسلام در عربی و فارسی

و ترکی بنظم در آورده و این چند بیت نمونداست از آن کتاب:

بنام ایزد جبار و خالق و ستار که شد پدید از آو آسمان و لیل و نهار

ز فیض مکرمتش بیقرار هر سیار نموده وزن بدین بحر مجتمش بقرار

لغات ترکی و فرس و عرب بخواه از من شنیده ورد زبان ساز هر مساء و نهار

خدای باشد والله تنکری تاری رحیم رحم ایلین کارساز هر ناچار
رسول هست پیمبر چه؟ ایلیچی تاری که رحمت است زمنان ایزد غفار
رجل چه؟ مرد کیشی مرئه زن بگو آرواد

چوزوج وشوی أر آمد بتر کی ای دلدار
نسخه چاپی این کتاب در کتابخانه دانشمند آقای سید عبداللہ سیار
در تهران موجود است .

۳ - نصاب دیگری است بنام (**تجرید اللغات**) که آنرا حاج
ملاعلی فرزند ملامصطفی بادکوبه در ۱۲۸۶ هجری قمری سروده اند
و مشتمل بر ابیاتی چند در بحور مختلف از رمل و رجز و مجتث و غیره میباشد
که از آن جمله است:

باز گویم بهر تو بحر رمل ای خوش بیان
چونکه این بحر رمل کالنهر بجزی فی البیان
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات
خیز از بحر تقارب گرتو بر گردی روان
آی قمر یاغیش مطر گون شارق و یلدیز: شید
بولوت ابروقار برف و بر زمین گوک آسمان
یاغ روغن یاغلی چربی نیمچه دوری چک بکش
اوددی بلعید وقوون بطیخ و قارپوز هندیوان
هیوا به مر جی عدس یر آلماسی سیب زمین
یر کو کی زردک قورود کشک ایستی اکمک (۱) گرم نان

۲ - نان که در آذربایجان آنرا چورهک گویند و در ترکیه بان
(اکمک) گفته میشود

۴ - (**مشوق الصبیان**) که سراینده آن یحیی بن مصطفی الحسینی
زنوزی متخلص به (مضطر) میباشد که در حدود هشت بحر و مجموعاً در
حدود ۱۳۰ بیت میباشد که از فارسی بتر کی برشته نظم آورده و نخست در
سال ۱۳۰۸ خورشیدی در تبریز چاپ سنگی شده و با اردیگر بتوسط سید
قاسم هادیان در سال ۱۳۳۳ خورشیدی در تهران بچاپ رسیده است مولف
در مقدمه کتاب گوید:

نصاب ترکی دورای مرد با هوش او خویله روان ایتمه فراموش
مقفا دور مسجع دور خوش آیند سوله بلبل کیمی اگلشمه خاموش
و بعد قطعه اول را در بحر مضارع چنین آغاز می کند:

ای مشتری شمایل و خورشید اشتهار
در بند گیسوی تو دل ماست بیقرار
مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلات
شعری بخوانمت که بسی باشد آبدار
کلمک است خامه یعنی قلم کان معدن است
قصاصد برید باشد و نخجیردان شکار
عقد دو گون، بویو نباغی عقد است، صیغه عقد
حزم احتیاط آمد و باغ است مرغزار
زردک هو بیچ چه؟ یر کو کی و سیخ شیش دان
بیلدیر چه؟ پارسال ولی محکم استوار

۵ - نصابی است در ۲۱ بند که آنرا تجرید قلندری بنام محمد حسن
میرزا عیسی بهادر خان پر خانی به نظم آورده و در پایان همه بندها نام میر
علیشیر نوائی شاعر معروف ذوالبیانین را آورده است منظومه با این بیت

آغاز میشود :

چو رو در تقارب نهد روزگار
بر آرد ز تقطیع و وزنش دمار

وبالاین رباعی پایان مییابد :

صد شکر که این نظم بانجام رسید
وز درد علیشیر بمن جام رسید

در نهصد و شصت و پنج کردم بنیاد
در نهصد و هفتاد با تمام رسید

۶- (تحفه وهبی) یکی از جمله نصابهای منظومی است که در ماه

شعبان ۱۲۶۶ قمری هجری سنبلزاده وهبی نام آنرا ساخته است نامبرده

در زمان خلافت عبدالمجیدخان باسفر عثمانی (ترکیه فعلی) بایران

سفر نموده و پس از گردش در اقلیم فارس و زیارت مقبره حافظ نصابی بزبان

فارسی و ترکی با ترتیب حروف هجائیه بنظم آورده چنانکه خود گوید :

ایله دیم حرف هجاده ترتیب او خور ا بجد کیمی هر طفل اریب

و اینک چندین بیت از ابیات آن نقل میشود :

کبر ایدن خود بین کندوسین (۱) بگنمیش خود پسند

هم اوزون بویاویدهم ممتاز دیر لر (۲) قد بلند

دلستان دلدار تعبیر اولونور دلبر لره

دل گو گلدر قلب معناسینده، باغلاما میند

دادلو گولمکدر شکر خند و لطیفه بذله در

گولمک استهزائیله هم خندم ریش و ریشخند

اصل نسخه این کتاب هم نزد آقای رضا بهاور کفشدوز در خیابان

خیام تهران مییاشد .

۱ - کندو بمعنی خود = اوزد زبان ترکی

۲ - دیر لر یعنی گویند

۷ - (نظم الجواهر) تالیف سید حسن یمینی نقشبندی که در سال

۱۲۳۶ سروده و بسال ۱۲۴۱ هجری قمری در استانبول چاپ کرده و عبارت

از یک هزار و سیصد بیت است که لغات عربی و فارسی را بترکی پاسخ گفته

است .

۸ - (تحفه کسکین) از شاعری متخلص بد کسکین بمعنی (برای) که از

گویندگان عثمانی است و نسخه خطی این کتاب بخط سید جلیل رجائی

که در سال ۱۲۴۸ قمری نوشته شده گویا در کتابخانه میرزا جعفر سلطان-

الفرائی در تبریز موجود است .

۹ - (شادیه) که ناظم آن محمد بن یحیی قونوی است که لغات

فارسی را بترکی ترجمه کرده و تاریخ تالیف آن سنه ۸۸۹ هجری قمری

بوده است .

۱۰ - (تحفه حسام) که مؤلف آن حسام خوئی مظفری است که

واژههای فارسی را بترکی ترجمه کرده است .

۱۱ (مصاب) (۱) که مهمل کلمه نصاب است و آن منظومه طنز

آمیز است که میرزا نظام نام یکی از ادباء و عرفای دوره ناصری بعنوان مطایبه

و مزاح ساخته که چند بیت از آن نقل میشود :

کلبعلیخان ایکه از تو جمله ارباب نظر

میبرد بخل و حسد هم میخورد خونجگر

فـاعلاتن فـاعلاتن فـاعلاتن فـاعلاتن

خیز ای جان من از بحر رمل برخوان زبر

گر رود چیزی به کونت گزندانی چیست آن

فیل و بیل و بقیشه، ظبی و حمار، آهو و خر
از گشادی دهان خود بپرسی گویمت
سکه کوچه در ب دروازه است معبر رهگذر
خواهت از بام افتی چار عضو بشکند

چید گردن صدر سینه، ر کبه زانو، رأس سر
جبهه دارم همه چیزش بود الا دو چیز

الظهارة ابره دان و البطانة آستر
بسیاری دیگر از سخنوران و صاحبان ذوق در این مورد هزل
گوئیهایی نموده اند که خالی از لطف نبوده ولی چون از موضوع مانحن
فیه خارج است از ذکر آنها صرف نظر شد و فقط بموردی از آنها بعنوان
نمونه در بالا اکتفا رفت.

۱۲ - (نصابچه) در این و چیزه لغات عربی بفارسی ترجمه شده
و مؤلف آن شخصی بنام بدیعی بوده که کتاب خود را بتاریخ ۲۳ جمادی
الثانیة ۱۲۷۷ هجری قمری در دارالسلطنه تبریز بچاپ سنگی رسانیده
و با کتاب منشآت میرزا مهدیخان (منشی نادرشاه) یکجا طبع نموده است
این کتاب بخط یوسف هوسوی میلانی است و اکنون در تصرف شاهزاده
دانشمند یحیی میرزا آرین پور میباشد و محض نمونه قسمتی از اشعار آن
ذیلا آورده میشود:

از پس حمد خداوند زمین و آسمان

در لغت نظمی کنم همچون لثالی عمان

از یکی لفظ، ار (۱) سه معنی خواهی ای صاحب کمال

اولش را فتح و کسر و ضم بدین ترتیب خوان
رب (۲) دان پرورد گارو رب (۳) دان جمعی ز خلق
رب (۴) آب خالص از انگور و سیب و نار (۵) دان
غمر (۶) بسیاری ز مال خالص آمد در لغت

غمر (۷) کینه غمر (۸) بی تدبیر مردی در جهان
شنیده ام نصاب ترکی بفارسی دیگری هم که بوسیله آقای اسماعیل
یکانی تدوین شده موجود است که تا کنون بچاپ نرسیده ولی نصاب فرانسه
ففارسی ایشان اخیرا طبع و منتشر شده است و ناگفته نباید گذاشت که
تا کنون قریب به ۱۸۸ کتاب لغت داریم که ۵۱ فقره آن منظوم و از نصاب
الصبيان فراهی تقلید شده و از این مقدار در حدود سیزده فقره نصاب ترکی
ففارسی است که این نصاب چهاردهمین آنها را تشکیل میدهد و نامش
(نصاب اعتماد) میباشد که ذیلا بمعرفی آن وه و لفظش میپردازیم:



کتاب مستطاب نصاب اعتماد که در دولغت فارسی و ترکی آذربایجانی
سروده شده و برای هر دو گروه سودمند تواند بود همین است که در دست
شما خواننده عزیز قرار میگیرد.

آقای سید مهدی اعتماد در میان ما فردناشناخته ای نیست
و این شاعر مشهور آذربایجان در هر دو زبان فارسی و ترکی شعرهای

۱ - اگر ۲ - رب با تشدید بباء ۳ - رب بکسر راء و بباء مشدد ۴ - با ضم راء
وباء مشدد ۵ - نار بمعنی انار ۶ - بفتح غین و سکون میم ۷ - بکسر غین و سکون میم
۸ - بضم غین و سکون میم

شیواداردو بخصوص در زبان آذربایجانی اشعر وافصح شعرای زبان خود میباشد و درسرودن اشعار سهل و ممتنع استاد و ید طولائی دارند و برای اثبات حقیقت این امر کتاب معروف (**گلمینار بزه گئی**) ایشان بهترین سند ومدرك ما است و کسانیکه این منظومه ادبی ایشانرا مطالعه نموده اند تصدیق خواهند کرد که کوچکترین مبالغه در این امر بکار نرفته است .
اعتماد چهل سال از عمر خود را به نگارش آثار و سرودن غزلها - مثنویها - ترانه ها در زبان آذربایجانی صرف کرده و تالیفات گرانبهای از خود بیادگار گذاشته است که اینک فهرست وار با اسم کتاب ومضمون آنها اشاره می کنیم :

۱ - میزان الانشاء : مشتمل بر دو جلد میباشد که برای دبستانها و دبیرستانها تهیه شده و تا کنون شش مرتبه چاپ شده و چاپ هفتمش تحت طبع است .

۲ - (**ذخیره المعاد**) در اعمال مخصوصه ماه مبارک رمضان است که اخیرا چاپ سوم آن از طبع درآمده است .

۴ - (**هدایت الکلام**) در علم تجوید با اسلوب جدید و دستورهای ساده تنظیم یافته که در نوع خود بی نظیر است وسومین چاپ آن از طبع درآمده .

۴ - (**دیوان اعتماد**) بنام (شانلی آذربایجان) مشتمل است بر اشعار حیاتی اجتماعی - اخلاقی - وطنی که چاپ اول آن تمام شده و چاپ دوم آن تحت طبع است .

۵ - (**گلمینار بزه گئی**) اثر بدیعی است مشتمل بر یک سلسله اشعار آبدار که عواقب وخیم وصلتهای ناجور و آیدینه را که تاده سال قبل اغلب

ازدواجها روی آن انجام میگرفت در آن بایک الفاظ شیرین ونمکین و خیلی ساده برشته نظم درآمده و نظیر آن در حلاوت اشعار کمتر گفته شده است :
در آن تشریح شده و در حدود بیست و پنج مرتبه بچاپ رسیده است .

۶ - (**آئینه اخلاق**) یا (چهارشنبه سوری) در اصلاح اخلاق اجتماعی که بالحن شگفت انگیز و انتقادی احوال روحیه افراد و طبقات مختلفرا نظما بیان داشته و مبارزه بیامانی با خرافات بر ادا نداخته است و این اثر از سی مرتبه بیشتر چاپ شده و باز طبع جدید آن در شرف اقدام است

۷. (**برک سبز**) اشعار است که در میلاد حضرت امام عصر «عج» و حضرت حسین بن علی «ع» سروده شده است که یک قسمت آن شعر فارسی و قسمت دیگرش اشعار ترکی است .

۸ - (**مناظره ادبی**) - (**گل غنچه سی**) - (**ناهار وعده سی**) هر یک از آثار ادبی ایشانست که نظماً سروده شده و از طبع درآمده است .

۹ - (**بدرقه الصبیان**) و دیگر اثر گرانقدری بنام دستور زبان آذربایجانی و فرهنگ زبان آذربایجانی است که بعد از انتشار این کتاب بطبع و نشر آن اقدام خواهند کرد .



اما مطالبی که درباره (**نصاب اعتماد**) قابل ذکر میباشد و نباید از نظر خوانندگان دور بماند بشرحی است که ذیلا نوشته میشود :

۱ - این کتاب دارای دوازده بند و در حدود چهارصد بیت مشتمل بر چهار هزار لغت فارسی و ترکی است

۲ - در سرودن ابیات آنچنان دقت و مراقبتی بعمل آوردند که

برخلاف نصابهای دیگر برای پر کردن چهارچوبه وزن در قالب شعر حشو و زرایندی بکار نرفته، در صورتیکه نصاب فراهی یا نصابهای دیگر مملو از اضافات و موصلات است مثلاً:

اله است والله ورحمن خدای دلیل است هادی تو گورهنمای
محمد ستوده امین استوار بقرآن ثنا گفت ویرا خدای

یادر نصاب حاج میریحیی مضطر:

كلك است خامه یعنی قلم کان معدن است

قاصد برید باشد و نخجیردان شکار

ایسلاد بخیس میشود اما سری به پیچ

بگشا و واکن آج شمرایمرد هوشیار

یادر نصاب مرقات الصبیان:

رسول چیست پیمبر چه؟ ایلچی تاری

که رحمت است زمان ایزد غفار

برادرواخ فارداش واخت چه؟ باجی

تو گوی خواهر و رحمتش نما و خوش میدار

۴ - شاعر سخن سنج ما در تصویر مسائل امور حیاتی و بکار گرفتن

لغات متجانس و ترکیب کلمات متناسب آنچنان سعی بلیغ بکار برده که بالطبع چشم انداز بدیعی از اوضاع و احوال موضوع مورد نظر در پیش چشم مجسم میشود مانند مصداق ذهنی این ابیات در مورد شخص شراب خوار و مست:

چاخیر شراب، سوپوش ناسزا، اوتانماق شرم

یومولماق حمله نمودن، گوونمه بالیدن

دهن کجی آغیزاً گمک، ووروش دو گوش پیکار

یاواچرند، سخن سوز، دانیشماق حرفزدن

لگد تپیک، یوموروق مشمت، قیشقریق فریاد

هله: هنوز، دوروشماق مقاومت کردن

شبح قارالتی، پی ایز، ازدحام چاخناشماق

نوه نواده، قوهوم خویش، پدرا آنا، توه سن

با کمی امعان نظر در مفهوم ترکیب و تجانس این اغتها بلافاصله

باین نکته پی خواهیم برد که هدف شاعر از تنظیم این ابیات متوجه بیک

عده رجاله بوده که شراب خورده و مستی را انداخته اند بدون اینکه در خود

احساس شرم و حیا بکنند زمین و زمان را بیاد فحش و ناسزا گرفته و عربده

کنان نفس کش میخوانند و دهن کجی میکنند و بالگد پراندن و مشمت انداختن

بعابرین غوغا و قشقریق راه می اندازند و بر خود می بالند و از طرفی مردم ازدحام

نوده و با نگاههای تاسف آمیز حالات جنون آمیز آنان را تماشا

می کنند.

۴ - همچنین از پندآموزی و ارائه طریق در زندگی مضایقه نشده

و پاره ای از ریزه کاریهای اخلاقی با بیان شیرینی برشته نظم در آمده است:

از یلگن نتر، ارک ثون: نور چشم قولاق ورماسی گوشمال، هست: وار

ز نازاده بیج، بامباچا: توسری سیخا کی چه؟ پس گردنی مین هزار

از این بیت استنباط خواننده آن خواهد بود که برای افراد لوس

و نتر گوشمال دادن و سخت گرفتن از فرائض حیاتی است و هر که در آن خلق

و خوی زشت و ناپسند است پاداشی بجز هزار پس گردنی نتوان داد اگر چه همین

عده در این زمانه گل سرسبد جامعه امروزی میباشند.

۴ - در مورد احتراز از قمار و قاپ بازی و نتایج حاصله از آن چنین گوید :

آشیق قاپ، او یون بازی، صور اسپس بوغوشماق گلاویز، قاجماق فرار ۵ - در معرفی کسانیکه شخصیت حیاتی خودشانرا در طریق نیک بینی و خیر اندیشی راه میبرند چنین تعریف میکند :

بزرگی بویو کلوك دیر یلیک حیات مدارا گیچنمک آغیر لیق وقسار ۶ - کسانیکه در زندگی بجز از خوردن آشامیدن آمالی نداشته و سر بار جامعه هستند بدین نحو با فراد جامعه معرفی مینماید :

شکم گنده فارنی بوغون سفت برک کوپوک کف، تفاله تلیف، توزغبار تر کیب این لغتها مفهومها حاکی است چنانکه درون این قبیل اشخاص را بشکافند جز از تفاله و کف و آشغال چیزی مشاهده نخواهند کرد و بقول سعدی علیهدار حمد :

خور و خواب و خشم و شهوت شغب است و جهل و ظلمت

حیوان خبیر ندارد ز مکان آدمیت

۷ - در حفظ ارتباط مفاهیم و تلفیق معانی بیکدیگر تا آنجا که مقدر است کوشش فراوانی مبذول داشته اند کدمزیت کتاب را چند برابر نموده است. فی المثل اگر در جایی کلمه آتش ذکر شده دنباله آن عواقب مر بوطه بآن از قبیل آتش سوزی و حریق بی تعریف و توصیف نمانده است .

اود آتش، قور اخگر، زبانه آلو قورولوش اساس، پاتلاماق انفجار ۸ - موضوع دیگری که خیلی جالب در میان بحرهای منظومه به

چشم میخوردن جسم نمودن صنعت بدیع است که در بحر (هزج) بکار برده اند و مانند تابلوی نقاشی است که عوالم طفولیت یک دختر نوزاد و روزگار تحصیل

و مراسم نامزدی و پیدا کردن يك داماد ثروتمند و شب زفاف و زین و بکوب آن با يك يك سلسله لغات متجانس ترسیم گردیده ارتباط قضایا و نتایج وابسته و مترتبه بآن با کلیه ریزه کاریهایش نقاشی شده است که بالمرجه به بحر نامبرده حقایق امر روشن خواهد شد .

این بود نمودار چندی از ریزه کاریها که منظوم مدشاعر سخنور مشحون از آنها می باشد و تشخیص آنها را بدوق سلیم و نهن نکته سنج خوانندگان موکول مینماید .

پایان سخن

چون زبان ترکی آنرا بایجائی متکلمین زیادی در ایران دارد و با يك نظری که اجمالا بنقشه ایران انداخته میشود قوم کثیری در شمال غرب ایران و کثیر دیگر در شمال شرق و ترکمن صحرا وجود دارند و نیز طایفه مهمی در فارس و طوایف متفرقی در حوالی همدان و زرنند و ساوه و شهریار و اطراف تهران بچشم میخورند و چون يك چنین کتاب کدهم بفارسی زبانان فائده بخشد و هم بترکی زبانان افاده رساند مسلما بی فائده نخواهد بود . اینک آقای سید مهدی اعتماد يك چنین اثر پر ثمری را بوجود آورده و در ایجاد آن رنجها برده در خور همه گونه تقدیر و تشکر است و بعلاقتمندان بیشمار زبان ترکی است که از آن استقبال نموده و مصنف دانشور آنرا عملا تشویق و تائید نمایند ، امید آنکه در محضر ارباب دانش واصحاب بیمنش پسند افتد و پذیرفته گردد .

نصرت اله فتحی آتشباک

تهران فروردین ماه ۱۳۴۴

(چند کلمه از مؤلف کتاب)

از روزی که بحیات اجتماعی قدم نهاده‌ام همیشه معتقد بوده‌ام که ارزش زندگی هر کسی بسته بنوع اندیشه و طرز کردار و گفتار اوست و هر فردی از اعضای يك جامعه بهمان میزان که در راه خیر و سعادت نوع خود کوشیده‌است استحقاق بهره‌مندی از فیض سعادت را خواهد داشت بگفته شادروان شیخ محمد خیابانی (کسانیکه بتکالیف اجتماعی خودم قیام نمی‌کنند باید بدانند که حقوق فردی خود را نیز از دست میدهند)

زندگانی من پیوسته با پیش آمدها و حوادث ناگوار همراه بوده و باید گفت عمری سخت دردناک و پر آشوب گذرانده‌ام با اینهمه خدا داند که کمتر در اندیشه خود و کامیابی خویش بوده و بلکه همیشه خدمت بخلق را دیباچه کار و سرآمد افکار خود قرار داده و تا بوده‌ام سعی کرده‌ام که پندار و گفتار و کردار خود را آنچه که ندای وجدانم بمن امر میکند تطبیق دهم.

من تا امروز در خور استعداد خود چه نظماً و چه نثرآثاری از خود بیادگار گذاشتم که در تمام آنها راهنمایی و ارشاد جوانان میهن خود را نصب‌العین قرار داده‌ام اخیراً نیز دست بخدمتی زده‌ام که انجام آن مستلزم زحمت و فداکاری فراوان بوده و آن تالیف همین لغتنامه منظوم بنام (نصاب اعتماد) است که هم‌ایرانیان پارسی‌گو و هم مردم آذربایجان را که بزبان

محلی سخن می‌گویند سودمند تواند بود.

در تلفیق لغات و تنظیم ابیات حتی المقدور سلاست و فصاحت بیان و بخصوص هم آهنگی و تجانس کلمات را از نظر دور نداشته و سعی بلیغ مبذول داشته‌ام که هیچ کلمه زاید و غیر لازم که معمولاً در این قبیل تالیفات بحکم اجبار بنام ضرورت شعری بکار می‌رود در این وحیزه راه نیابد و بجرئت میتوانم گفت که اگر احیاناً در يك یا چند بیت بکلماتی از این قبیل تصادف شود تعداد آنها بسیار قلیل و در مقام مقایسه با نصابهای همانند نادر و بلکه در حکم هیچ است.

ایمیدوارم که خدمت ناچیز من از نظر برادران آذربایجانی و هموطنان فارسی زبان که مایل بآموختن این زبان باشند پسندیده و مقبول افتد. گویا آنکه می‌توان گفت: هیچ زیبایی بی عیب و هیچ گلی بیخار نیست.

در پایان وظیفه خود میدانم که از محبت‌های بی‌شائبه همه دوستان عزیز می که در این کار مشوق من بوده‌اند مخصوصاً از جناب آقای نصرت‌اله فتحی (آتش‌باز) که دیباچه شیوائی برای کتاب نوشته و کوشش ناچیز مولف را مورد تقدیر قرار داده‌اند و همچنین از جناب آقای محمد علی فرزانه که از ابراز محبت و کمک‌های فکری دریغ نفرموده‌اند بویژه از توجهات جناب آقای مختار پناه استاد و دبیر زبان انگلیسی دبیرستانهای تهران که در تنظیم و نگارش لغات مبهم نصاب بخط لاتینی در پاورقیها بذل مساعی نموده‌اند سپاسگذار باشم.

سید محمد علی اعتماد

پیش از فرا گرفتن لغات نصاب بقواعد مندرجه در ذیل توجه شود ،

قاعده

تلفظ حرف قاف در آخر کلمات آذربایجانی

کلمات و لغات آذربایجانی اعم از اسم و فعل و مصدر هر کدام مختوم بحرف قاف (ق) بشود بطور کلی موقع تلفظ بحرف (خاء) تبدیل میشوند :

مانند دوداق = لب در مورد اسم و سوروشماق = پرسیدن در مصدر
واو خوموشوق = خواننده ایم در فعل - و همچنین است نظائر اینها که در بحور مختلف بنظم آورده شده است .

درباره لهجه‌های مختلف زبان

در زبان آذربایجانی مانند بسیاری از زبانهای زنده دیگر در جنب زبان ادبی که مبتنی بر قواعد و اصول دستور زبان میباشد لهجه‌های گوناگون و متفاوت محلی نیز وجود دارد که بعضاً اشکال صوتی کلمات بخصوص در پسوندها فرق میکند لکن در این مجموعه حتی الامکان کوشش شده است که کلمه‌ها و لغتها در شکل ادبی آن و مطابق قواعد دستوری نگاشته شود و در ضمن هر کدام از لغتها که شیوه تلفظ اصطلاحی آن باشکال ادبی فرق داشته باشد در آخرین مجموعه با اصطلاح محلی آن لغت با علامت (م) اشاره شده است که خواننده بهر دو صورت آن بخوبی آشنائی داشته باشد.

واو-یاء-الف

زبان هر قوم را قواعدی است که درست گفتن و درست نوشتن آن زبان را باید از روی آن قواعد آموخت .

در حروف الفباء سه حرف واو- یاء و الف را حروف عله و بقیه حروف را حروف صحه مینامند چنانکه شاعر گوید :

حرف عله نام گردد واو و الف و یاء را ،
هر که را دردی رسد ناچار گوید وای را .

(الف محدود و الف مقصور)

الف بر دو قسم است : ممدود و مقصور

الف ممدود بحالت کشیده و مقصور بطور کوتاه تلفظ میشود .
الف بطور کلی در زبان فارسی ممدود و در زبان آذربایجانی مقصور خوانده و گفته میشود مانند داش = سنک . باش = سر . یاش = تر و نظائر اینها .

(یاء معلوم (اصلی) و یاء مجهول)

حرف یاء بر دو قسم است یاء معلوم و یاء مجهول
یاء معلوم آنست که در گفتار صدای اصلی خود را بدهد مانند یاء زینب .
یاء مجهول آنست که در تلفظ صدای (ای) بدهد مانند یاء کلمه زینت .

یاء مجهول در فارسی بحالت کشش و در زبان آذربایجانی مطلقاً
با یاء خفیف ادا میشود :

مانند ایتی = تیز و دیل = زبان و نین = لانه

در آموزش زبان شرط اساسی تلفظ صحیح آنست

(واو در زبان آذربایجانی نماینده چهار صدا است)

زبان هرملت در طرز تکلم و بیان مقصود برای افراد بومی آن هر قدر
ساده و بی تکلف باشد، بهمان نسبت برای گسانیکه بآن زبان نا آشنا
هستند فرا گرفتن آن خالی از اشکال نیست زیرا هر زبان را خصوصیتی
است که آشنائی بآن منوط بتمرین و ممارست است.

زبان آذربایجانی از نظر کثرت حروف صدا دار بسیار غنی است
و در حالیکه شناخته‌ترین زبانهای دنیا بیش‌تر از ۵ الی ۶ حرف صدا دار ندارند
زبان آذربایجانی دارای نه حرف صدا دار میباشد که از جمله آنها واو است
که قطع نظر از صدای اصلی خود نماینده اصوات چهارگانه O و Θ و u و y
میباشند که من حیث المجموع این صداها در رسم الخط و نوشته‌های
آذربایجانی اعم از نسخ و نستعلیق بشکل و او نمایانده میشود و در زبان
فارسی هم واو نامبرده بجای دو صدای O و y استعمال میشود مانند واو
کلمه (دوست) و کلمه (خوش). متأسفانه برای نشان دادن و نمایاندن نوع هر
یک از این صداها و اشکال صوتی آن نظر به نقص الفبای عربی علامت
مشخصه و حرف بخصوصی نداریم که نحوه آن صدا را تحقیقاً در موارد

لازمه تعیین نماید

و از طرفی هم استفاده از اعراب مخصوص حرفها و کلمات زبان عربی
که عبارت از ضمه و واو مجهول است برای فهمیدن اشکال صدا و تنوع
صحیح تلفظ این اصوات کافی نیست بناچار برای حل این مشکل و رفع این
نقصه باشکال حروف لاتینی که تلفظ دقیق هر یک از این صداها را بطور
مشخص تعیین مینماید توسل جستیم و درپاورقیها لغات مبهم مربوط بآن
صفحه را درج نمودیم تا برای خواننده و آموزنده در نحوه تلفظ آن اشتباهی رخ
ندهد مانند کلمه اون = ده، و کلمه اون = آرد که واو مجهول در کلمه اولی
صدای O و در دومی صدای y میدهد.

اعراب و استفاده از آن

در این کتاب لغتهائی که باحرکت زیر - زبر و پیش و سکون (زده)
تلفظ میشوند، نظربه وضوح تلفظ آنها از درج املاء لاتینی این قبیل
لغات درپاورقی صرف نظر و املاء آنها را روی همین اعراب قرار دادیم.

قابل توجه

در تدوین و تنظیم این نصاب چنانکه باید مراقبت و اهتمام کافی
بکاررفته تا لغت‌های مورد استعمال در یک بحر در بحر دیگر تکرار نشود
هر گاه خوانندگان عزیز ضمن مطالعه فصول لغات آذربایجانی بلغتی
برخورد نمایند که در بحر دیگر گنجانده شده است حتماً آن لغت نوعاً از لغاتی
بوده است که در معانی مختلف اعم از مترادف یا متضاد بکار رفته است
و چون بنظم آوردن مجموع مفاهیم مربوطه بآن در یک بیت یا مصراع

اشکال حروف لاتینی که برای نشان دادن تلفظ صحیح کلمات
در کتاب بکاررفته است

a	a	آ	c	c	ج
b	b	ب	ç	ç	چ
s	s	س، ث، ص	o	o	او
ş	ş	ش	ø	ø	ئو
d	d	د	p	p	پ
ə	ə	آ	q	q	ق
e	e	ا، ع	r	r	ر
f	f	ف	t	t	ت ط
g	g	غ	u	u	ا
ğ	ğ	گ	y	y	او
h	h	ح ه	v	v	و
j	j	ی	x	x	خ
k	k	ک	i	i	ای
l	l	ل	t	t	ئی
m	m	م	z	z	ز، ذ، ض، ظ
n	n	ن	ø	ø	ژ

۱ - o مانند صدای (و) در کلمه (خوش).

۲ - ø این حرف در الفباء فارسی موجود نبوده و صدای آن معادل حرف متصله eu در کلمه feu (آتش) در زبان فرانسه میباشد.

۳ - u بطوریکه در بالا گفته شد این حرف رایج زبان فارسی نیست و صدای آن معادل حرف u فرانسه میباشد.

۴ - ç این حرف در الفباء فارسی معادل صدای (او) است مانند: (دود) و (سود).

۵ - (ئی) طرز تلفظ این حرف بطوریکه در مقدمه اشاره رفته شبیه (ای) بوده ولی بصورت خفیف ادامه میشود.

فیسر نبوده ناگزیر بمناسبت اقتضای موقع و ضرورت شعری معنای دیگر آن در بحر مناسب خود جای داده شده و از آن هرگز نباید چنین استنباط شود که يك لغت در نصاب در چند مورد تکرار شده. برای توضیح امر بهر يك از معانی مترادف یا متضاد مثالی ذکر می نمائیم تا برای خواننده جای ابهامی باقی نماند:

۱ - در مورد مترادف کلمه های قاتیق = یوغورت را از آنر بایجانی میتوانیم مثال بزنیم که هر دو لغت در فارسی به معنی (ماست) می باشد.

۲ - در مورد اضداد کلمات درخت و فرسنگ و چوب را از زبان فارسی میتوان نمونه آورد که در آنر بایجانی معادل کلمه آغاج می باشند و این کلمه بجای هر سه مفهوم فوق بکار میرود.

در تشخیص نوع واژه

در تلفیق و نظم این ابیات هدف اساسی بر این بوده که مفاهیم کلمات و لغات آنر بایجانی را برای فارسی زبانان تشریح و تفهیم کنیم و در این مورد از لغاتی که در محاورات و مکالمات روزمره مردم اعم از فارسی و عربی بکار است در تنظیم ابیات استفاده شده است و هر کدام از آنها که فارسی سره نبوده و از زبان عربی اقتباس شده ولی رایج زبان فارسی است در پایان این کتاب ضمن فصل لغتها با علامت (ع) بعربی بودن آن اشاره و معنای لغوی آن نیز توضیح شده است.